

ز دست خویش اگر خانه ات خراب شود
 از آن به است که بیگانه اش کند آباد
 ترا که خوی نکوهیده است و عادت زشت
 چه سود از رخ چون ماه و قد چون شمشاد
 غلام همت آنم ~~صکه~~ بهر حفظ شرف
 نداشت بیم اگر در مخاطرات افتاد
 نهاد در ره قانون عدل جان عزیز
 ولی ز راه عدالت قدم برون نهاد
 بنای هر عملی گان ز روی عدل نشد
 مسلم است که محکم نگرددش بنیاد
 بکشوری که در آن نیست دادگر ذوقی
 مسلم است که سودی نمی دهد فریاد

یکی از قهرمانان تاریخ

گایوس یولیوس سزار

تولد در سنه ۱۰۱ یکصد و یک قبل از میلاد

قتل در سنه ۴۴ چهل چهار قبل از میلاد

سزار در زمان جمهوری دولت روم قبل از میلاد تولد شد با وجود اینکه مشارالیه از قایل‌های قدیم و ببارت اخری از مستبدین

رم بود طرفداری عامه را وجهه نظر قرار داده و همیشه به پشتیبانی عامه مسند های مهمه را اشغال مینمود پس از اینکه بومیوس فتوحات پی در پی در خارجه نایل گشت و اهمیتش نزد اهالی رم بمنتها درجه رسید و در نتیجه مختصر تصادم قشونی بین دولت روم و پتریداتس پادشاه پوتوس جنگ افتاد بومیوس مأمور شرق گشته و ایندفعه هم فتح نصیب سردار رومی شد از این لشکر کشی فتح آسیای صغیر و بیت المقدس و غیره کاملاً نصیب رومیان آمد و رومیان جشن بزرگی با احترام بومیوس گرفته و با نهایت جلال وارد پایتختش کردند باین جهت رقابت دیرینه او و کراسوس که یکی از متمولترین رجال رم بود تجدید شد و چون اولی را مردم بواسطه فتوحات عظیمه و دومی را بمناسبت تمولش محترم میداشتند هیچوقت میان ایندو متفقد صلح و صفا نبود طولی نکشید که سزار که در رم اهمیتش کمتر از آن دو نفر بود بانان ملحق گشته و تشکیل مجلس سه نفری دادند سزار که جاه طلب و پیوسته در صدد ترقی بود و در هر جا میخواست شخص اول باشد بطوریکه غالباً میگفت : « من بیشتر مایلم در دهی اول شخص باشم تا در رم دوم شخص » چاره جز همراهی با رفقای خود ندیده و از زرنگی که داشت ابتدا تقارین بومیوس و کراسوس را برطرف نمود . و بوسیله در آوردن دختر خود یولیا به عقد بومیوس نفوذ خود را نسبت به دو رقیب روز افزون ساخته و پس از تحکیم مقام خود در پایتخت حکومت

کل را پنجساله تقاضا نمود و بدست آورد مشارالیه نه فقط اهالی کل (جنوب فرانسه حالیه) را مطیع دولت رم کرد بلکه قبایل دیگر ساکن بلژیک و سویس را نیز مجبور باطاعت دولت رم نمود و چون دید در مدت پنجسال نمیتواند کاملاً بمقصود یعنی تسخیر آن نواحی نایل شود تمديد مدت حکومت خود را تا ده سال خواسته و کامیاب شد پومیپوس یکنفر از طرف خود باسپانیول فرستاد و خود در رم مانند کراسوس هم که بجمع مال از سزار بتحصیل مقام حریص تر بود حکومت شرق را در عهده گرفته و آنچه توانست حیب و بغل انباشت بالاخره با اشك سیزدهم (ارد) پادشاه ایران پنجه در افکند ارد سورنیا سردار خود را مأمور جنگ وی کرد و کراسوس باقشونش بمحاصره افتاد بالاخره خود و پسرش بقتل رسیدند آنگاه سورنیا دهان کراسوس را بر از زر کرده نزد ارد فرستاد اما از برکت لکشرکشیهای سزار درهمه جا فتح های نمایان و بی در پی نصیب دولت رم شده حتی جزیره بریتانی مسخر آندولت گردید . باری سزار در مدت نه سال حکومت کل متجاوز از هشتصد الی نهصد شهر بتصرف رومیان درآورد وباندازه اهمیت پیدا کرد که پومیپوس مجلس رم را باحضر او وا داشت اما سزار تنها نیامده و با اردوی خود از سرحد رم که رود (رویکن) باشد و عبور حاکم کل با اردو از آنجا برحسب قانون ممنوع بود گذشت وداخل خاک رم شد و باین عمل عدم اقیاد خود را نسبت بحکومت مرکزی نمایش داده و پومیپوس را

وادار کرد که بجنک با او اقدام نماید کوشش پومپیوس در احتراز
 از جنک عقیم ماند و عاقبت قشون وی شکست یافته و خودش از راه
 بتدر برندیزی بیونان فرار کرد سزار وارد رم
 شده قشونی بطرف یونان برای جنک با پومپیوس اعزام داشت و
 خود برای فتح اسپانیول که در مدت بسیار قلیلی انجام داد حرکت
 نمود پس از مراجعت از اسپانیول بمعیت آتو نیوس
 بجانب یونان رانده در جنک فارزالوس پومپیوس را
 شکست داده بفرار در مصر از راه دریا مجبورش ساخت در مصر
 هم بمجرد ورود فرستاده های بطلمیوس محض تملق
 سزار او را کشتند سزار در تعاقب پومپیو بجانب مصر شتافته و پس
 از ورود سلطنت را بخواهر شاه که موسوم به کلئوباترا
 و وجیه ترین زنهای عصر بود واگذار نمود در نتیجه جنگی بین
 بطلمیوس و مصریها از یکطرف و سزار و کلئوباترا از طرف
 دیگر برخاست ولی سزار مثل همیشه فاتح شد و مصر را پس
 از فتح به کلئوباترا وا گذاشته جنک پوتوس را نیز
 خاتمه داده به رم بازگشت در جنک مصر ضرر بزرگی متوجه دنیا
 گردید و آن آتش گرفتن کتابخانه اسکندریه بود که متجاوز از
 چهار صد هزار کتاب خطی طعمه حریق شد سزار با جلال و
 شکوه حیرت افزا وارد رم شده و پس از سفر کوتاهی باسپانیول
 در رم اقامت گزیده و با لقب امپراطوری (ریاست کل قشون با
 پادشاه) و دیکتاتوری حقیقی هم خود را مصروف آسایش سربازان

رشید مملکت خود و رفاه حال عامه نموده و در سن پنجاه و هفت سالگی در مجلس رم بدست یاغیان و دشمنانش که در میان آنها بروتوس و کامپیوس دوستان سزار بودند با ضرب بیست و شش خنجر در بای مجسمه بومپیوس بقتل رسید تفصیل قتل سزار و اتفاقات بعد از آنرا شاعر بزرگ انگلیسی (شکسپیر) در آثر بزرگ معروف خودش موسوم به (ژولیوس سزار) با بهترین طریقی شرح داده خلاصه آنتونیوس و سایر دوستانهای صدیق سزار قاتلین او را یکایک در جنگهای بزرگ بسزای خود رسانیدند. این بود مختصری از تاریخ سزار حال بشرح حال و صفات شخصی او

میردازیم
حسن خواجه نوری

از کتاب سرگذشت اردشیر (کارگر - بیکار)

هنیدم مرد کار آیین سنمار که دستش کاخ صنعت راست معمار چو شد مشهور اندر هفت کشور زرومش خواست نعمان بن منذر (۱) ندیده زهره اش را مشتری شد یمن بر آن عقیق انگشتری شد

(۱) نعمان بن منذر - پادشاه یمن بود. این پادشاه سنمار

را از روم طلبید و بساختن قصر خورنق، امور ساخت و پس از اتمام قصر او را از بالای قصر بزمین انداخت و گفت که بادا برای پادشاه دیگری، چنین قصری بنا کند.

